

**عنوان :**

**پاسخ رهبری به ۱۰ پرسش درباره مبارزه با آمریکا**

تاریخ :

1391/09/18

از نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مبارزه‌ی ملت ایران با سیاست‌های سلطه‌طلبانه‌ی آمریکا از سابقه‌ای تاریخی برخوردار است. این مقابله از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ آغاز شد و در ۱۶ آذر همان سال با سرکوب حرکت ضدآمریکایی دانشجویان ادامه یافت.

متن زیر مروری است بر دیدگاه‌ها و مواضع حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره تقابل ملت ایران و دولت آمریکا، که پایگاه اطلاع‌رسانی [khamenei.ir](http://khamenei.ir) آن را در قالب پرسش و پاسخ و به‌مناسبت روز دانشجو، تنظیم و منتشر کرده است.

• 1. آیا تقابل ملت ایران با دولت آمریکا صرفاً به پس از انقلاب اسلامی برمی‌گردد؟

مبارزه از قبل از سال 43 شروع شد؛ یعنی از سال 32 با کودتای 28 مرداد که به وسیله‌ی آمریکائی‌ها در ایران انجام گرفت و حکومت دکتر مصدق را سرنگون کردند. مأموران آمریکائی رسماً آمدند ایران، با چمدانهای پر از دلار، الواط و اوباش و اراذل و بعضی از سیاستمداران خودفروخته را تطمیع کردند و کودتای 28 مرداد سال 32 را در اینجا راه انداختند و حکومت مصدق را سرنگون کردند. جالب این است که بدانید حکومت مصدق که به وسیله‌ی آمریکائی‌ها سرنگون شد، هیچگونه خصومتی با آمریکائی‌ها نداشت. او در مقابله‌ی با انگلیسی‌ها ایستاده بود و به آمریکائی‌ها اعتماد کرده بود؛ امیدوار بود که آمریکائی‌ها به او کمک کنند؛ با آنها روابط دوستانه‌ای داشت، به آنها اظهار علاقه میکرد، شاید اظهار کوچکی میکرد. با این دولت، آمریکائی‌ها این کار را کردند. اینچور نبود که دولتی که در تهران سر کار است، يك دولت ضد آمریکائی باشد؛ نه، با آنها دوست بود؛ اما منافع استکباری اقتضاء کرد، آمریکائی‌ها با انگلیسها همدست شدند، پولها را برداشتند آوردند اینجا و کار خود را کردند.

تقریباً ده سال از این قضیه گذشت، حادثه‌ی قیام مردم در پانزده خرداد و انقلاب اسلامی و مبارزات اسلامی و نهضت اسلامی پیش آمد. یعنی اینها ده سال فشار آوردند، کتک زدند، زندان کردند، اعدام کردند، هر کار خواستند در این کشور کردند؛ بالاخره يك انفجاری در ده سال بعد از این قضیه در خرداد 42 اتفاق افتاد. اینجا هم طرف قضیه اگرچه حکومت ظالم طاغوت و حکومت پهلوی بود، اما آمریکائی‌ها پشت سر این حکومت قرار داشتند؛ آنها بودند که آن را تقویت میکردند و به وسیله‌ی او بر همه‌ی امور کشور ما مسلط شده بودند. این مبارزه ادامه پیدا کرد تا سال 43؛ آمریکائی‌ها ناگزیر شدند مستقیماً داخل مسائل بشوند. امام بزرگوار را در سال 43 تبعید کردند. اینجا هم به حسب ظاهر، آنها توانستند حرف خودشان را پیش ببرند و به خیال خودشان ملت ایران را مغلوب کنند؛ اما ملت ایران مغلوب نشد.

بعد از سال 43 که حکومت مطلقه‌ی محمدرضا پهلوی به پشتیبانی آمریکائی‌ها در کشور هزاران فاجعه آفرید و آمریکائی‌ها هم هرچه توانستند، به غارت و چپاول و توسعه‌طلبی و تجاوز در ایران ادامه دادند؛ ده‌ها هزار مستشارشان در ایران بردند، خوردند، پول گرفتند، شکنجه تعلیم دادند، هزاران جنایت در ایران کردند، بالاخره در سال 56 و دنباله‌اش سال 57 این حرکت عظیم ملت ایران به رهبری امام بزرگوار شروع شد. این دفعه، این مبارزه دیگر مبارزهای نبود که امید پیروزی برای دشمن وجود داشته باشد. ملت ایستاد، مقاومت کرد، فداکاری کرد؛ مردانش، زنانش، حتی دانش‌آموزانش در خیابانها کشته شدند؛ اما سرانجام در سال 1357 ملت ایران پیروز شد. یعنی در این مبارزه‌ی طولانی از سال 32 تا سال 57 - در طول مدت بیست و پنج سال مبارزه - بالاخره آن که پیروز میدان شد، ملت ایران بود.

• 2. 16 آذر در تاریخ ما با چه ویژگی‌هایی باید شناخته شود؟

جنبش دانشجویی خصلت و خاصیتش در کشور ما لاف‌آلود است - شاید در خیلی از کشورهای دیگر هم باشد - که ضد استکباری، ضد سلطه، ضد دیکتاتوری و طرفدار عدالت است. شروع این حرکت یا مقطع شناخته شده‌ی این حرکت، همین 16 آذر است.

جالب است توجه کنید که 16 آذر در سال 32 که در آن سه نفر دانشجو به خاک و خون غلتیدند، تقریباً چهار ماه بعد از 28 مرداد اتفاق افتاده؛ یعنی بعد از کودتای 28 مرداد و آن اختناق عجیب - سرکوب عجیب همه‌ی نیروها و سکوت همه - ناگهان به وسیله‌ی دانشجویان در دانشگاه تهران يك انفجار در فضا و در محیط به وجود می‌آید. چرا؟ چون نیکسون که آن وقت معاون رئیس‌جمهور آمریکا بود، آمد ایران. به عنوان اعتراض به آمریکا، به عنوان اعتراض به نیکسون که عامل کودتای 28 مرداد بودند، این دانشجویها در محیط دانشگاه اعتصاب و تظاهرات میکنند، که البته با سرکوب مواجه میشوند و سه نفرشان هم کشته میشوند. حالا 16 آذر در همه‌ی سالها، با این مختصات باید شناخته شود. 16 آذر مال دانشجوی ضد نیکسون است، دانشجوی ضد آمریکاست، دانشجوی ضد سلطه است.

دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت ۲۴ / ۰۹ / ۱۳۸۷

• 3. مصادیق دشمنی دولت آمریکا علیه ملت ما چه بوده است؟

کمک به حرکت‌های تروریستی

دولت آمریکا از اول با این انقلاب با روی عبوس و چهره‌ی ترش و با لحن مخالفت روبه‌رو شد. البته آنها با محاسبات خودشان حق هم داشتند. ایران قبل از انقلاب در مشیت آمریکا بود؛ منابع حیاتی‌اش در اختیار آمریکا، مراکز تصمیم‌گیری سیاسی‌اش در اختیار آمریکا، عزل و نصب مراکز حساس در اختیار آمریکا؛ مرتعی بود برای چرای آمریکائیان و نظامیان آمریکائی و غیر آنها. خوب، این از دستشان گرفته شد. میتوانستند مخالفت خود را اینجور خصمانه ابراز نکنند؛ اما از اول انقلاب دولت آمریکا - چه رؤسای جمهور خواهشان، چه رؤسای جمهور دمکراتشان - با نظام جمهوری اسلامی بدرفتاری کرد؛ این چیزی نیست که بر کسی پوشیده باشد. اولین کاری که از طرف امریکائی‌ها انجام گرفت، تحریک مخالفین پراکنده‌ی جمهوری اسلامی و کمک به حرکت‌های تجزیه‌طلب و تروریستی در کشور بود؛ از اول این کار را شروع کردند. در هر نقطه‌ای از نقاط کشور که حرکت‌های تجزیه‌طلب در آنجا زمینه‌ای داشت، انگشت آمریکائی‌ها را ما دیدیم؛ گاهی پول آنها را، و حتی در مواردی عناصر آمریکائی را ما در آنجا دیدیم؛ این برای مردم ما خسارت زیادی داشت. متأسفانه این کار هنوز هم ادامه دارد.

تصرف دارائی‌های ایران

بعد تصرف و حبس دارائی‌ها و اجناس ایران. رژیم گذشته پول بی‌حسابی را در اختیار امریکائی‌ها گذاشته بود، برای اینکه از آنها هواپیما بگیرد، بالگرد بگیرد، سلاح بگیرد. بعضی از این وسائل، آنجا تهیه هم شده - وقتی انقلاب شد، آن وسائل را ندادند؛ آن پولها را که میلیاردها دلار بود، ندادند؛ و عجیب‌تر اینکه این وسائل را در يك انباری جمع کرده بودند، نگه داشته بودند، انبارداری برای خودشان قائل شدند، خود را طلبگار کردند و از حساب قرارداد الجزائر انبارداری برداشتند! مالی را از يك ملت غصب کنند، پیش خودشان نگه دارند، ندهند، بعد انبارداری‌اش را هم بگیرند! این رفتاری بوده که از آن روز شروع شده، الان هم ادامه دارد. هنوز اموال ملت ایران آنجاست.

چراغ سبز به صدام و کمک به او در جنگ با ایران

به صدام چراغ سبز دادند؛ این يك اقدام ديگر دولت آمریکا بود برای حمله‌ی به ایران. صدام اگر چراغ سبز آمریکا را نمیگرفت، بعید بود به مرزهای ما حمله کند. هشت سال جنگ را بر کشور ما تحمیل کردند؛ قریب سیصد هزار جوانهای ما، مردم ما در این جنگ به شهادت رسیدند. در طول این هشت سال - بخصوص در سالهای آخر - همیشه آمریکائی‌ها پشت سر صدام بودند و به او کمک میکردند - کمک مالی، کمک تسلیحاتی، کمک کارشناسی سیاسی - خبرهای ماهواره‌ای میدادند و امکانات خبررسانی داشتند. تحرك نیروهای ما را در جبهه در ماهواره‌هایشان ثبت میکردند، بعد آن را همان شبانه برای قرارگاه‌های صدام میفرستادند که از آنها علیه جوانهای ما و نیروهای ما استفاده کند. در مقابل جنایات صدام چشم‌هایشان را بستند.

شلیک به هواپیمای مسافربری ما

بعد در آخر جنگ، هواپیمای مسافربری ما را در آسمان خلیج فارس افسر آمریکائی با موشکی که از ناو جنگی شلیک کرد، ساقط کرد. قریب سیصد نفر مسافر در این هواپیما بودند، که همه‌شان کشته شدند. بعد به جای اینکه آن افسر توبیخ شود، رئیس جمهور وقت آمریکا به آن افسر پاداش و مدال داد. ملت ما اینها را فراموش کند؟ میتواند فراموش کند؟

اهانت به ملت ایران

از تروریستهای جنایتکاری که در داخل کشور ما مرد را، زن را، جماعت را، فرد را کشتند، علمای بزرگ تا بچه‌های خردسال را ترور کردند و کشتند، حمایت کردند؛ به اینها اجازه دادند که در کشورشان فعالیت کنند؛ دائما علیه کشورمان تبلیغات خصمانه کردند. رؤسای جمهور آمریکا در طول این سالها - بخصوص در دوره‌ی هشت ساله‌ی رئیس جمهور رائل‌شده‌ی قبلی - هر وقت علیه ملت ایران، علیه کشور ما، علیه مسئولین ما، علیه نظام جمهوری اسلامی صحبتی کردند و حرف مهمل و چرندی گفتند، اهانتی به ملت ایران کردند. در طول این سالها همیشه همین جور بوده است.

آشفته‌سازی امنیت منطقه ما به خاطر دشمنی با جمهوری اسلامی

امنیت منطقه‌ی ما را، امنیت خلیج فارس را، افغانستان را، عراق را دچار اغتشاش و آشفتگی کردند؛ برای مقابله‌ی با جمهوری اسلامی - و البته در واقع برای پر کردن جیب کمپانی‌های سلاح - سیل سلاحها را به کشورهای منطقه سرازیر کردند؛ از رژیم صهیونیستی بی‌قید و شرط حمایت کردند...

هر وقت شورای امنیت خواست علیه رژیم صهیونیستی قطعنامه‌ای بگذرانند، آمریکا سینه‌اش را سپر کرد، آمد جلو و دفاع کرد و نگذاشت.

تهدید و توهین نسبت به ملت و مسئولین ایران

در هر مناسبتی و بی‌مناسبت کشور ما را تهدید کردند. دائم گفتند حمله میکنیم، گفتند طرح نظامی روی میز ماست، چنین میکنیم، چنان میکنیم. هر وقت علیه کشور ما حرف زدند، ملت ما را تهدید کردند. البته این تهدیدها در ملت ما اثر نکرد، اما آنها دشمنی خودشان را از این راه نشان دادند. به ملت ایران، به دولت ایران، به رئیس جمهور ایران بارها اهانت کردند. یکی از آمریکائی‌ها چند سال قبل گفت ریشه‌ی ملت ایران را باید کند! در همین سالهای اخیر یکی از مسئولین آمریکائی گفت ایرانی خوب و معتدل ایرانی‌ای است که مرده باشد! به این ملت بزرگ، به این ملت با شرف، به این ملتی که فقط گناهِش این است که از هویت و استقلال خود دفاع میکند، اینجور اهانتها کردند.

تحریم ما به قصد دشمنی

سی سال کشور ما را تحریم کردند، که البته این تحریم به سود ما تمام شد. ما باید از آمریکائی‌ها از این بخش تشکر کنیم. اگر ما را تحریم نمیکردند، ما امروز به این نقطه‌ای از علم و پیشرفت که رسیده‌ایم، نمرسیدیم. تحریم همیشه ما را وادار کرده که به خود بیاییم، به خود فکر کنیم، از درون خود بجوشیم. ولی آنها قصدشان این خدمت نبود، آنها میخواستند دشمنی کنند.

بیانات در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا (ع) ۱۳۸۸/۰۱/۰۱

• 4. علت اصلی دشمنی دولت آمریکا با ملت ایران و جمهوری اسلامی چیست؟

علت دشمنی عمیق و آشتی‌ناپذیر استکبار و در رأس آنها آمریکا و شبکه‌ی صهیونیستی دنیا با جمهوری اسلامی، این حرفهائی که گاهی گوشه و کنار گفته میشود - چه چیزهائی که آنها شعارش را میدهند، چه تصوراتی که بعضی در داخل میکنند - نیست. مسئله این است که جمهوری اسلامی يك «نفی» با خود دارد، يك «اثبات».

نفی استثمار، نفی سلطه‌پذیری، نفی تحقیر ملت به وسیله‌ی قدرتهای سیاسی دنیا، نفی وابستگی سیاسی، نفی نفوذ و دخالت قدرتهای مسلط دنیا در کشور، نفی سکولاریسم اخلاقی؛ اباحیگری؛ اینها را جمهوری اسلامی قاطع نفی میکند.

يك چیزهائی را هم اثبات میکند: اثبات هویت ملی، هویت ایرانی، اثبات ارزشهای اسلامی، دفاع از مظلومان جهان، تلاش برای دست پیدا کردن بر قله‌های دانش؛ نه فقط دنباله‌روی در مسئله‌ی دانش، و فتح قله‌های دانش؛ اینها جزو چیزهائی است که جمهوری اسلامی بر آنها پافشاری میکند. این نفی و این اثبات؛ اینها دلیل دشمنی آمریکا و دشمنی شبکه‌ی صهیونیستی دنیاست.

دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت ۱۳۸۷/۰۹/۲۴

• 5. علت بنیادین مقابله ما با دولت آمریکا چیست؟

آیه‌ی شریفه‌ی قرآن می‌فرماید: «فمن یکفر بالطاغوت و يؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقی». این، اعتصام به حبل‌الله را برای ما معنا می‌کند. تمسك به حبل‌الله چگونه است؟ با ایمان بالله و کفر به طاغوت.

امروز طاغوت اعظم در دنیا، رژیم ایالات متحده امریکاست؛ زیرا صهیونیسم را او به وجود آورده است و آن را تأیید می‌کند. امریکا جانشین طاغوت اعظم قبلی یعنی انگلیس است. امروز تجاوز رژیم ایالات متحده و همفکرانش و همکارانش، دنیای اسلام را در وضعیت دشواری قرار داده است و دنیای اسلام در پیشرفت خود، در موضعگیری خود، در ترقی مادی و معنوی خود، زیر فشار امریکا و همکاران و همفکران اوست.

در بسیاری از بخشهای امت اسلامی ایمان بالله هست؛ اما کفر به طاغوت نیست. کفر به طاغوت لازم است. بدون کفر به طاغوت، تمسك به عروه‌ی وثقای الهی امکانپذیر نیست. ما کشورها و دولتها و ملتها را به این که به جنگ با امریکا بشتابند، دعوت نمی‌کنیم؛ ما دعوت می‌کنیم که تسلیم امریکا نشوند.

بیانات در دیدار شرکت کنندگان در همایش کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۸۵/۰۵/۳۰

• 6. آیا رابطه با امریکا خطر او را برای ما کم می‌کند؟

رابطه‌ی سیاسی با آمریکا برای ما مضر است. اولاً خطر آمریکا را کم نمی‌کند. آمریکا به عراق حمله کرد؛ در حالی که با هم رابطه‌ی سیاسی داشتند، سفیر داشتند؛ این آنجا سفیر داشت، آن هم اینجا سفیر داشت. رابطه که خطر جنون‌آمیز و سیطره‌طلبانه‌ی هیچ قدرتی را از بین نمی‌برد. ثانیاً وجود رابطه برای آمریکائی‌ها - نه امروز، همیشه اینطور بوده - وسیله‌ای بوده است برای نفوذ در قشرهای مستعد مزدوری در آن کشور. انگلیسی‌ها هم همین طور بودند. انگلیسی‌ها هم در طول سالیان متمادی سفارتخانه‌شان مرکز ارتباط با سفلگان ملت بود؛ کسانی که حاضر بودند خودشان را به دشمن بفروشنند. سفارتخانه‌ها یکی از کارهایشان این است...

اینها این خلأ را در ایران دارند؛ احتیاج به پایگاه دارند، و پایگاه ندارند؛ این را میخواهند. احتیاج به رفت و آمد آزاد و بی‌دغدغه‌ی مأموران جاسوسی و مأموران اطلاعاتی‌شان و ارتباطات نا مشروع آنها با عناصر سفله و مزدور دارند؛ اما این را ندارند. ارتباط، این را برای آنها تأمین میکند. حالا مینشینند آقایان وراجی کردن و حرف زدن و استدلال کردن، که نبود رابطه‌ی با آمریکا برای ما مضر است. نه آقا! نبود رابطه‌ی با آمریکا برای ما مفید است. آن روزی که رابطه‌ی با آمریکا مفید باشد، اول کسی که بگوید رابطه را ایجاد بکنند، خود بنده هستم.

بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد ۱۳ / ۱۰ / ۱۳۸۶

#### • 7. چرا با آمریکا مذاکره نمی‌کنیم؟

مذاکره‌ی در سایه‌ی تهدید و فشار، مذاکره نیست. يك طرف مثل ابرقدرتها بخواهد تهدید بکند و فشاری بیاورد و تحریمی بکند و يك دست آهنی‌ای را نشان بدهد و از آن طرف هم بگوید خیلی خوب، بنشینیم پشت میز مذاکره! این مذاکره، مذاکره نیست. اینجور مذاکره‌ای را ما با هیچ کس نمی‌کنیم. آمریکا همیشه با این چهره برای مذاکره وارد میدان شده است.

آمریکا صادقانه مثل يك مذاکره‌کننده‌ی معمولی وارد میدان نمیشود، مثل يك ابرقدرت وارد مذاکره میشود. ما با چهره‌ی ابرقدرتی مذاکره نمی‌کنیم. ابرقدرتی را بگذارند کنار، تهدید را بگذارند کنار، تحریم را بگذارند کنار، برای مذاکره يك هدف و نهایت مشخصی فرض نکنند که باید مذاکره به آنجا برسد. جمهوری اسلامی زیر بار این فشارها نخواهد رفت؛ او هم به سبک خود به هر فشاری پاسخ خواهد داد. به زورگوئی متوسل نشوند، از نردبان ابرقدرتی که نردبان پوسیده‌ای هم هست، پائین بیایند، اشکالی ندارد؛ اما تا وقتی که آنجور است، امکان ندارد.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۰ / ۰۸ / ۱۳۹۱

#### • 8. بعد از این مدت مبارزه کدام کشور پیروز میدان بوده است؟

ماندن انقلاب، نشانه پیروزی ملت ایران

این در خور تأمل است. وقتی ما فهمیدیم که در اینجا آن که پیروز شده است، اراده و تصمیم قاطع يك ملت همراه با ایمان و توکل به خداست، این درسی میشود برای همه‌ی ملتها؛ این يك اصلی میشود در همه‌ی تحولات تاریخی؛ فلسفه‌ی جدید تاریخ، مبتنی بر اصول اسلامی، با نگاه کردن به این حادثه، به بار می‌نشیند، تدوین میشود و مورد قبول همه قرار می‌گیرد؛ و این واقعیت اتفاق افتاده است؛ یعنی ملت ایران در تمام این مدت و تا امروز، پیروز این میدان عظیم است. به چه دلیل؟ به طرف ایران نگاه کنید؛ دلیلش این است که اینها میخواستند انقلاب را از بین ببرند، اما انقلاب ماند؛ انقلاب نه فقط ماند، بلکه روزبه‌روز قوی‌تر شد. امروز نسل جوان ما که در زمان انقلاب نبوده است، در دوره‌ی جنگ تحمیلی نبوده است، امام را ندیده است، با همان انگیزه و با همان عزم و تصمیمی درس می‌خواند، کار میکند، زندگی میکند و نفس میکشد که جوان دوران انقلاب با آن عزم و تصمیم، انقلاب را به وجود آورد. اینها نشانه‌های بارز زنده بودن

انقلاب است.

پیشرفت روز به روز ایران اسلامی

علاوه‌ی بر همه‌ی اینها، نظام اسلامی را ملاحظه کنید؛ نظام اسلامی استحکام پیدا کرد، ریشه دوانید، حرف خودش را به دنیا منتقل کرد، ملتها را در مقابل عظمت خود وادار به اذعان و اعتراف کرد، خود را در چشم ملتهای مسلمان و غیر مسلمان بزرگ کرد. امام بزرگوار ما حتی در چشم دشمنان خود، يك شخصیت عظیم و عالیرتبه است. ملت ایران به عنوان يك ملت پولادین، يك ملت مقاوم، يك ملت مؤمن، يك ملت با بصیرت، در دنیا معرفی شده است و در کشور، نظام اسلامی توانسته کشور را متحول کند.

ایرانی که امروز شما می‌بینید، ایرانِ دوران قبل از انقلاب نیست. ایرانِ دوران قبل از انقلاب، يك کشور عقب‌مانده بود؛ يك کشور فراموش شده بود؛ يك ملت بی‌ابتکار بود. با این همه استعداد، با این همه مواریت تاریخی، با این فرهنگ غنی، این ملت هیچ بروز و ظهوری نه در صحنه‌ی علم دنیا داشت، نه در صحنه‌ی سیاست دنیا داشت، نه در صحنه‌ی فناوری دنیا داشت، نه حرف نوئی برای دنیا داشت، نه ابتکاری در زمینه‌ی مسائل منطقه و مسائل دنیا داشت؛ تابع محض بود. در داخل کشور، بجز يك مناطق معدودی که مورد توجه مسئولان و سردمداران رژیم بود، بقیه‌ی مناطق کشور دچار ویرانی و دچار ناآبادانی بود...

ایرانِ امروز این پیشرفت‌ها را دارد؛ این کارها، این ابتکارات، این بروز جوانها در میدان علم و سازندگی و حضور قوی در همه‌ی بخشها. این حرفها آن زمان وجود نداشت. کشور پیش رفته؛ این پیروزی است. انقلاب زنده ماند، نظام روزبه‌روز بارورتر و ریشه‌دارتر شد، ملت روزبه‌روز آگاهی‌اش بیشتر شد.

افول ارزشهای آمریکائی

در دنیا هیچ کس نیست که شك داشته باشد در این که آمریکا در این سی سال، بیش از سی رتبه از لحاظ اقتدار و جاهت جهانی سقوط کرده؛ همه این را می‌بینند و میدانند؛ خود آمریکائی‌ها هم به همین اقرار میکنند. همین سیاستمداران قدیمی کهنه‌کار آمریکائی، دولتها و دولتمردان فعلی را - که باید گفت دولتمردان و دولت‌زنان (!) فعلی را - مسخره میکنند که شما آمریکا را از آنجا رساندید به اینجا. راست هم می‌گویند؛ آمریکا سقوط کرده. امروز هیچ دولتی در دنیا به قدر دولت آمریکا منفور نیست. اگر امروز دولتهای منطقه‌ی ما و دولتهای دیگر جرأت کنند و يك روزی را به عنوان روز برأت و نفرت از دولت آمریکا معین کنند و به مردم بگویند در این روز بیائید راهپیمائی کنید، بزرگترین راهپیمائی تاریخ در دنیا اتفاق خواهد افتاد! این از موقعیت آبروئی آمریکا.

از لحاظ موقعیت منطقی و فکری آمریکا؛ بالاخره يك دولت و يك ملت متکی است به آن فکر و منطقی که ارائه میدهد. ملتها فقط با پول که در دنیا اعتبار پیدا نمیکنند؛ باید فکر و منطقی وجود داشته باشد. آمریکائی‌ها میگفتند ما يك اصولی داریم - به قول خودشان - ارزشهایی داریم؛ ارزشهای آمریکائی. برای این اصول و ارزشها، در دنیا هی سر و صدا میکردند. امروز نگاه کنید ببینید وضعیت ارزشهای آمریکائی به کجا رسیده...

میشود اینجور نتیجه‌گیری کرد که قدرت آمریکا، دولت آمریکا، استکبار آمریکا که در مقابل ملت ایران قرار گرفته بود و این مبارزه‌ی طولانی را از سال 32 با ملت ایران شروع کرده بود - که امسال سال 91 است - در این مبارزه، آن که شکست خورده، همان دولت مستکبر متکبر خودبزرگ‌بین آمریکاست؛ و آن که پیروز شده، ملت سرافراز مصمم مقتدر ایران است.

دیدار مسئولان نظام ۲۷ / ۰۵ / ۱۳۸۹

- 9. آمریکا چه زمانی از دشمنی با ملت ایران دست خواهد برداشت؟

توطئه‌ها ادامه پیدا خواهد کرد، تا يك مقطعی؛ آن مقطع عبارت است از اقتدار همه‌جانبه‌ی کشور که این، کار شما دانشجویها، کار شما نسل جوان است. آن وقتی که توانستید کشور را به اقتدار علمی و به اقتدار اقتصادی برسانید و آن وقتی که توانستید عزت علمی را برای کشور فراهم کنید، آن روز البته توطئه‌ها کم خواهد شد؛ مایوس خواهند شد. تا وقتی به آن نقطه نرسیده‌ایم، منتظر توطئه‌ها باید بود و آماده‌ی مقابله‌ی با این توطئه‌ها باید بود. و این شاء الله هرروزی که بگذرد، شما قوی‌تر خواهید بود، دشمن شما ضعیف‌تر خواهد شد و آن روزی که پیروزی نهائی نصیب ملت بشود، این شاء الله روز دوری نخواهد بود.

دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت ۲۴ / ۰۹ / ۱۳۸۷

- 10. سرانجام مبارزه‌ی تاریخی ملت ایران با دولت مستکبر آمریکا چه خواهد بود؟

ما یقین داریم که در این کارزاری که بین حق و باطل، امروز راه افتاده است - کارزار بین اسلام و معارف اسلامی و بیداری اسلامی از يك سو، و طمع‌ورزیهای استکباری سیاستهای شیاطین عالم و در رأس آنها شیطان بزرگ یعنی دولت امریکا از يك طرف دیگر - پیروزی با ماست؛ پیروزی با طرف حق است. در این، هیچ تردیدی وجود ندارد. همه‌ی قرائن این را نشان می‌دهند و تأیید میکنند. طبیعت سنن الهی هم همین است؛ یعنی غیر از این معنی ندارد. آن گروهی که طرفدار حقند اگر بایستند و اقدام نکنند، شکی نیست که بر باطل پیروز خواهند شد. سننهای الهی در جهت تقویت حق است و انتظار طبیعی از جریان سنن الهی در تاریخ، اقتضاء این را دارد. ما هم داریم به تجربه این را مشاهده میکنیم.

بیانات در دیدار میهمانان شرکت کننده در چهارمین مجمع جهانی اهل بیت (ع) ۲۸ / ۰۵ / ۱۳۸۶